

پنجشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۸۳ • ۹

شرق

روزنامه

فرهنگ ایرانی

آشنایی با عوامل اصلی آلودگی هوا و چاره‌اندیشی برای آن	صفحه ۱۰
اغلب تومورهای چشمی کودکان منشأ جهش ژنتیکی دارد	صفحه ۱۱
کارتر را دارو درمان می‌کند یا دلار	صفحه ۱۲

نگاه

میدان تقسیم؛ پیاده‌راه سنگ‌فرش

بعید است ایرانی باشید و به استانبول رفته باشید و میدان تقسیم را ندیده باشید. این میدان که بسیار بزرگ‌تر از یک میدان است و البته قابلیت‌های بیشتری هم دارد، در سال‌های اخیر تغییرات فراوانی را تجربه کرده است. بخشی از این تغییرات در راستای تبدیل این میدان و خیابان استقلال منتهی به این میدان، به پیاده‌راه بوده است. این موجب شده است که میدان تقسیم به محلی برای تجمع مردم و البته گردشگرانی بدل شود که از استانبول مدرن دیدن می‌کنند. تاریخچه این میدان به قرن هجدهم و زمان سلطان محمد اول بازمی‌گردد، بااین‌حال شکل امروزی آن حاصل اقداماتی است که در سه، چهار سال اخیر انجام شده است.

درواقع تبدیل این میدان به فضایی مختص عابران پیاده از نوامبر سال ۲۰۱۲ آغاز شد. میدان تقسیم طی این سال‌ها به یکی از شلوغ‌ترین نقاط استانبول تبدیل شده بود و به سیاق دیگر مناطق شلوغ شهرهای مدرن، ترافیک در آن معمول بود. براساس آنچه در پروژه پیاده‌سازی میدان انجام شد، حرکت ماشین‌ها در میدان از طریق زیرگذرها و تونل‌ها صورت می‌گیرد و سطح میدان فقط مختص پیاده‌ها خواهد بود. با اتمام این پروژه، استانبول دارای دومین میدان بزرگ جهان شده است. یعنی فضایی برابر با ۹۲هزار مترمربع. درحال‌حاضر میدان تیان‌آن‌من چین بزرگ‌ترین میدان شهری دنیاست.

میدان تقسیم به نمادی برای استانبول امروزی بدل شده است. میانه این میدان ایستگاه مترو قرار دارد و در اطراف آن هتل‌ها و رستوران‌های متعدد جای گرفته‌اند. این است که تقسیم، مقصدی مطلوب هم برای گردشگران و هم محلی‌هاست. سطح این میدان با سنگ‌فرش پوشیده شده است.

تقسیم البته واژه‌ای عربی است برای این میدان ترک. درواقع این میدان در ابتدا مرکزی برای تقسیم آب بوده است و این وجه تسمیه میدان است. در سال ۱۷۳۲، سلطان‌محمد اول دستور داد سازه‌ای سنگی ساخته شود تا آبی را که از جنگل‌های بلگراد می‌رسد، جمع‌آوری و از این نقطه به دیگر نقاط شهر توزیع کنند. این سازه سنگی آغازی بود برای میدانی که امروز به‌عنوان میدان تقسیم می‌شناسیم.



درست است که «تکسیم میدانی» را در زبان انگلیسی به میدان تقسیم ترجمه می‌کنند اما درواقع میدان به معنای یک فضای باز بسیار بزرگ است و به نظر می‌رسد حالا که تقسیم به دومین میدان بزرگ دنیا بدل شده، این واقعیت بیش از گذشته به چشم می‌خورد. فضای میدان تقسیم به شکل مربع‌مستطیلی است که در میانه خود جمعیت در دربر می‌گیرد. البته حالا در میانه آن سازه‌ای سنگی برای تقسیم آب به چشم نمی‌خورد اما یکی از ایستگاه‌های مترو استانبول در مرکز آن قرار دارد. به فاصله تنها صدمتر از این ایستگاه هم ایستگاه‌های اتوبوس شهری و تاکسی مستقر شده‌اند. این یعنی با وجودی که میدان پیاده‌راه است، دسترسی به این میدان برای عابران به‌سادگی امکان‌پذیر است.

میدان تقسیم با نقاط تاریخی مشخصی احاطه شده است. ساختمان برجسته‌ای که در یکی از راس‌های میدان قرار دارد، مرکز فرهنگی آتاتورک است. دیگر نقطه تاریخی مهم، هتل مرمر است، در کناره میدان نیز فضای سبزی قرار دارد. یادبود جمهوریت که توسط پیکرتراش مشهور ایتالیایی، پیتررو کانونیکا، ساخته شده و در سال ۱۹۲۸ میلادی رونمایی شد نیز در میدان تقسیم و در ابتدای خیابان استقلال واقع شده است.

یادبود جمهوری، ادای احترامی است به تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ میلادی که در نتیجه جنگ استقلال به دست آمد. این بنا همچنین محل دوزدن ترامواهایی است که از قدیم در این خیابان مسافران را جابه‌جا می‌کرده‌اند و اکنون تبدیل به تنها وسیله حمل‌ونقل در خیابان استقلال شده‌اند که عمدتا توسط توریست‌ها و گردشگران مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اما چیزی که میدان تقسیم را به یکی از مهم‌ترین مراکز در استانبول بدل کرده، قابلیت این میدان برای جمع‌شدن مردم در کنار هم است هرچند در سال‌های اخیر تارامی‌ها و اعتراض‌های مردمی ترک‌ها در این نقطه برای دولت دردسرساز هم بوده است. درهرحال میدان تقسیم تبدیل به محلی برای اجتماع، برگزاری اعیاد، کنسرت‌ها و... شده است.

تشدید رشد شهرنشینی در ایران

رشد شهرنشینی اتفاقی منحصر به ایران نیست، بلکه روندی جهانی است. در سال ۱۳۳۵ حدود ۳۱ درصد جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کردند، اما اکنون این رقم به حدود ۸۰ درصد رسیده است. کارشناسان گفته‌اند افزایش شهرنشینی، ناشی از دو عامل تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر از یک سو و مهاجرت روستاییان به شهرها از سوی دیگر بوده است. اقتصاد تک‌محصولی متکی به نفت و ورود اقتصاد ایران به اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، به‌ویژه از زمان سلطنت پهلوی دوم و به‌تبع آن، پیشرفت فنون، موجب آزادشدن بخش درخور توجهی از نیروی کار در روستاها شد. در نتیجه روستایان برای کسب معاش روانه شهرها شدند که پیامد آن شهرنشینی شتابان و مواجه‌شدن شهرهای بزرگ با مشکلات بسیار بوده است. یکی از ویژگی‌های شهرنشینی در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، تمرکز جمعیت شهری در یک یا چند شهر بزرگ است. به عبارت دیگر، درحالی‌که ممکن است تعداد زیادی شهر در یک کشور وجود داشته باشد، اما عمده جمعیت در داشته باشد، اما عمده جمعیت در چند شهر زندگی می‌کنند. در ایران نیز همین وضعیت صادق است و حدود یک‌پنجم جمعیت ایران در استان تهران و یک‌ششم جمعیت در شهر تهران زندگی می‌کنند. در چند شهر دیگر ایران نیز همین مسئله وجود دارد، با درنظرگرفتن جمعیت کلان‌شهری کشور از کل جمعیت شهری و محاسبه جمعیت پنج شهر دیگر شامل مشهد، اصفهان، تبریز، کرج و شیراز، می‌توان دید که بیش از ۳۳ درصد جمعیت شهری کشور در کمتر از یک درصد نقاط شهری زندگی می‌کنند. حسین ضرغامی، پژوهشگر مسائل مهاجرت، در مقاله‌ای که در همایش مهاجرت در ایران منتشر کرده، نوشته است با یک تقسیم‌بندی کلی جمعیت شهری در دو گروه از کشورهای درحال‌توسعه و کشورهای توسعه‌یافته می‌توان گفت رشد

شتابان جمعیت شهری در کشورهای درحال‌توسعه، تا حد زیادی ناشی از سرریز جمعیت روستایی و ادامه حرکت‌های مهاجرتی است که به عواملی بستگی دارد از جمله: ورود آرام صنعت به حوزه‌های کشاورزی، افزایش نسبی قابلیت تولید و آزادشدن نیروی انسانی و سپس روانه‌شدن آن به شهر، نبود زمین قابل کشت در حد نیاز یا بهره‌برداری بیش‌ازحد که منجر به فرسایش خاک شده و نبود اصلاحات لازم در زمینه‌های مختلف، حوادث طبیعی و پیامدهای منفی زیست‌محیطی، سهولت نسبی دستیابی به خدمات اساسی در شهرها و... و در شهرهای کشورهای توسعه‌یافته وضعیت متفاوتی به چشم می‌خورد. عمده‌ترین ویژگی آن در کاهش نرخ مولاید به میزان کمترازحد جایگزینی است. نتیجه طبیعی آن افزایش نسبت کهن‌سالان در کل جمعیت با پیامدها و نتایج خاص خود است.

این پدیده از نیمه دوم قرن بیستم تحولات شگرفی داشته و براساس پیش‌بینی‌ها این افزایش چشمگیرتر نیز خواهد بود. همین اتفاق در ایران نیز رخ داده و مسیر آینده جمعیتی کلان‌شهرهای ایران را روشن دیگر هم این‌گونه بوده است.



عکس: ترنوفه رستمی، شرق

گفت‌وگو با پیروز حناچی درباره کاهش کیفیت زندگی در کلان‌شهرها

گسترش حوزه عمومی، کیفیت زندگی را بالا می‌برد

نگار حسینی

چنین موضوعی را در شورای‌عالی شهرسازی مطرح کردیم و متأسفانه بعد اجرای آن با شورای شهر دوم و شهرداری آقای احمدی‌نژاد مقارن شد و در واقعیت هیچ کار مؤثری انجام نشد و بعدها هم که ایشان رئیس دولت شدند این موضوع را به این صورت دنبال نکردند. البته گاهی اوقات به نظر می‌رسید که به اسم عدم‌تمرکز چنین موردی تعقیب می‌شود اما اساسا به این لایه اقتصادی توجه نمی‌شد بلکه تلاش می‌شد با زور کارها انجام شود. باید بدانیم اگر می‌خواهیم این تمرکز را کم کنیم، با اعمال زور عملی نیست. برای انجام این کار باید علاقه و اشتیاق ایجاد شود؛ ضمن اینکه همراهی لایه‌های اقتصادی و لایه‌های کالبدی نیز باید انجام شود. وقتی می‌گوییم که جمعیت در تهران و کرج متمرکز نشوند؛ درعوض لازم است عرصه جایگزینی را برای اسکان در همه شهرهایی که در این حوزه هستند در نظر بگیریم؛ به این معنا که ماموریتی برای شهرهایی مانند ورامین، اسلامشهر، باقرشهر و کهریزک در نظر بگیریم. باید ببینیم برای افرادی که می‌خواهند در این شهرها ساکن شوند، چه امکانات ویژه‌ای در نظر گرفته‌ایم. اتفاقی که درحال‌حاضر افتاده، به شکل هرج‌ومرج بوده است. البته نه اینکه عرصه‌ها در این مناطق سند نداشته‌اند؛ بلکه شرایط ویژه برای اسکان مورد توجه قرار نگرفته است. اما علت اینکه شرایط ویژه مورد توجه قرار نگرفته این است که دولت اعتقادی به این موضوع نداشته است. درحال‌حاضر بخشی از این عارضه اتفاق افتاده است و برای آن کاری نمی‌توان کرد. مانع دوم این بوده است که این حجم از سرمایه‌گذاری در عرصه سرزمین در کشور کافی نیست. این سرمایه‌گذاری که نوسان هم داشته است و عمدتا با پول نفت و بخشی از صادرات غیرنفتی صورت گرفته است برای حل این مشکل کافی نیست. برای اینکه در تهران تمرکز صورت نگیرد، نیازمند ایجاد قطب رقیب برای این کلان‌شهر هستیم. قطب رقیب برای تهران یعنی مکان‌های دیگری که اگر کسی می‌خواهد مهاجرت کند، به‌جای‌اینکه به تهران و اطراف تهران بیاید، به آن مناطق برود. اما این مکان چه خصیصه‌ای باید داشته باشد؟ ظرفیت اشتغال داشته باشد؛ شهروندان آن شهروند درجه دوم تلقی نشوند و حمل‌ونقل در آن به راحتی انجام شود... بخشی از این موارد به‌عهده دولت است؛ اما تمام ماجرا این نیست. سرمایه‌گذاری از محل منابع دولتی برای انجام این امر، کافی نیست. اتفاقاتی مانند توسعه آموزش عالی و صنعت اگر می‌تواند در مناطق دیگری از ایران بیفتد، باید از تهران و دیگر کلان‌شهرها دور شود.

 	 	
طبیعی است که برآوردها حاکی از آن باشد که با همین آهنگ پیشرفت و افزایش بیشتر جمعیت اتفاقی که امروز در تهران تجربه می‌شود در تمامی کلان‌شهرهای دیگر در آینده‌ای نه‌چندان‌دور صورت بگیرد. اگر نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد، باید جور دیگری ببندیشیم. اما این جور دیگر اندیشیدن چگونه است؟ پاسخ عدم تمرکز است		

■ شما درباره بایدها حرف می‌زنید. آیا امروز به این بایدها رسیده‌ایم؟ حلقه مفقوده این سند، همان لایه اقتصادی است. الان هم به دنبال این موضوع هستیم منتها مواقعی که منابع مالی دولت کم و بودجه محدود می‌شود، هر پیشنهادی مبنی بر کاهش بخشی از منابع دولتی، به طبع رد می‌شود. باید ببیریم که در شرایط عادی قرار نداریم. در شرایطی که به‌هرحال اشتغال اصلی‌ترین مشکل کشور است و سرمایه‌گذاری به حداقل میزان ممکن رسیده است، راجع به این موضوعات صحبت‌کردن دشوار است. به‌هرصورت باید برنامه‌ها آماده باشد که به‌محض خروج از این شرایط کار را آغاز کنیم.

■ به این موضوع اشاره کردید که ارزش زمین در مراکز کلان‌شهرها بالا رفته است. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین مسائل به‌ویژه در کلان‌شهری مانند تهران نیاز به گردش مالی ناشی از ساخت‌وساز است. در چنین وضعیتی چگونه می‌توان تراکم را کمتر و کیفیت را بیشتر کرد؟ اصلا یکی از دلایل بالا رفتن قیمت زمین، بالا رفتن جرم‌گذاری روی همین زمین موجود است. بالا رفتن میزان جرم‌گذاری در بخش‌های تجاری و مسکونی یکی از عوامل عمده گران‌شدن زمین است. زمین در ذات خود ارزش ندارد؛ بلکه زمینی که می‌شود نوع خاصی از ساخت‌وساز با جرم سنگین‌تر در آن انجام داد، ارزش ویژه می‌یابد. ریشه‌های این موضوع به نحوه اداره شهرها بازمی‌گردد. واقعیت این است که در ایران شهرها با بهره‌وری بالا اداره نمی‌شوند. ریخت‌وپاش بسیار زیاد است و هزینه‌های جاری شهرها به‌شدت بالاست. شهر می‌محابا از محل ایجاد عارضه اداره می‌شود. عوارض یعنی هزینه ایجاد عارضه. هرکاری که می‌کنیم از جنس ایجاد عارضه است. این عارضه‌هایی که در شهرها ایجاد می‌کنیم- چون در شرایط ناپایداری هستیم- بسیاری از ارزش‌های ما را می‌بلعد و در نتیجه آن فضای سبز از بین می‌رود و ارزش‌های فرهنگی- تاریخی و کیفیت زندگی به معنای عام تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. اگر می‌خواهیم کیفیت زندگی در شهرها بالا برود، باید نحوه اداره امور شهرها را تغییر دهیم و آنها را بهینه

حیاط آرام‌آرام از معماری شهرها حذف می‌شود. ظاهر آپارتمان‌های سربه‌فلک‌کشیده بیش از پیش دور از آنچه متناسب با اقلیم است شکل می‌گیرد. میدان‌هایی که در آنها خاطرات جمعی نسل‌ها جمع شده، ویران می‌شود و عوض آن بزرگره‌های خاکستری ساخته می‌شوند. جایی برای جمع‌شدن نمی‌ماند. شهر می‌شود جایی برای عبور نه معاشرت. این‌جوری است که بابت تردد این‌همه خودرو، هوا روزه‌روز آلوده‌تر می‌شود و شهروندان کلان‌شهرها سم تنفس می‌کنند. می‌گویند باید از تهران و دیگر کلان‌شهرها تمرکززدایی کرد تا کیفیت زندگی فدای کمیت آن نشود. با «پیروز حناچی»، معاون شهرسازی وزارت راه و شهرسازی، در مورد کاهش کیفیت زندگی در کلان‌شهرها گفت‌وگو کرده‌ایم:

■ به‌نظر می‌رسد در معماری امروز کلان‌شهرها حیاط در حال حذف‌شدن است، ضمن اینکه ظاهر ساختمان‌ها روزه‌روز از آنچه مناسب اقلیم ایران است، دورتر می‌شوند و کیفیت کاهش می‌یابد. چطور می‌شود مقابل این روند ایستاد؟

شما از «حیاط» صحبت می‌کنید اما شاید «حیات» و «حیاط» اصلا هردو به یک معنا باشد. در هر صورت این واقعیت را باید بپذیریم که الگوی سکونت در شهرها به‌خصوص در مرکز کلان‌شهرها تغییر کرده است. اما باید ببینیم علت چیست؟ در محدوده‌ای از شهرها که زمین ارزش پیدا می‌کند، عرصه و عرضه زمین محدود است و به تناسی که این عرصه ارزش می‌یابد و تقاضایی که برای افزایش تراکم در آن ایجاد می‌شود، نه‌فقط حیاط که حیات هم تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. این به آن معناست که به شکل دائمی در شهرها از کیفیت زندگی به‌نفع کمیت زندگی کاسته می‌شود. واقعیت این است که درحال‌حاضر به دلیل اداره امور شهر با فروش شهر به‌صورت پیوسته بارگذاری بیشتر صورت می‌گیرد بدون اینکه خدماتی متناسب با این بارگذاری ارائه شود. این نقد ماجرا با توضیح شرایط موجود است. در چنین وضعیتی راه مقابله چیست؟ کلان‌شهر تهران با نخستین کلان‌شهری که بلافاصله پس از آن قرار می‌گیرد، در حدود پنج‌برابر متفاوت است. در بقیه کلان‌شهرها امروزه وضعیتی تجربه می‌شود که در حدود ۳۰ سال پیش در تهران رخ می‌داد. طبیعی است که برآوردها حاکی از آن باشد که با همین آهنگ پیشرفت و افزایش بیشتر جمعیت، اتفاقی که امروز در تهران تجربه می‌شود در تمامی کلان‌شهرهای دیگر در آینده‌ای نه‌چندان‌دور صورت بگیرد. اگر نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد، باید جور دیگری ببندیشیم. اما این جور دیگر اندیشیدن چگونه است؟ پاسخ عدم تمرکز است.

اساسا باید هرچه‌بیشتر از مرکز کلان‌شهر دور شویم، کیفیت زندگی افزایش یابد. اگر فردی از تهران به پرتد می‌رود یا از اصفهان به فولادشهر یا از تبریز به سهند، باید امکان زندگی بهتری داشته باشد. برای مثال اگر فردی در تبریز توانایی داشتن یک آپارتمان ۳۰مترمربعی دارد، باید در سهند توان اسکان او به صد مترمربع خانه ویلایی برسد. این اتفاقی است که در همه دنیا می‌افتد و این جاذبه‌ای است که بابت آن افراد راضی می‌شوند از کلان‌شهر دل بکنند و در حومه شهر ساکن شوند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که لازمه این کار آن است که تردد میان کلان‌شهر و حومه ساده باشد. به‌طورمعمول کسانی که در حومه زندگی می‌کنند، در کلان‌شهر به کار مشغولند یا به‌هرحال ارتباطات کلان‌شهری دارند؛ پس خطوط مترو و حمل‌ونقل عمومی برای رسیدن به این هدف یک اصل است هرچند این همه ماجرا نیست. واقعیت دیگری که وجود دارد این است که افراد هرچه برای اسکان به مرکز کلان‌شهر نزدیک‌تر می‌شوند، هزینه‌ها افزایش می‌یابد اما امروز دورشدن از مرکز کلان‌شهر، پایین‌آمدن هزینه‌ها را در پی ندارد. بر این اساس است که ماندن در حاشیه کلان‌شهر و فاصله‌گرفتن از مرکز در عمل توجیه منطقی ندارد. اگر هزینه‌های جاری و عوارض در فاصله‌های دور از مرکز کلان‌شهر در حدود ۳۰ درصد کمتر باشد- حتی این کاهش هزینه می‌تواند در مورد آب و گاز و برق نیز صورت بگیرد- بالطبع احتمال اینکه افراد به جای متمرکزشدن در مرکز کلان‌شهر، خارج از دایره مرکزی شهر را برای اسکان انتخاب کنند، بیشتر است.

■ آیا این نگاه، نگاه عملکردیانه‌ای است؟ مقصودم این است که اگر این‌طور است چرا تاکنون چنین تصمیمی اجرا نشده است که در نتیجه آن بشود جمعیت را از مرکز کلان‌شهر و تمرکز بر آن به شهرک‌های اطراف هدایت کرد؟

این اتفاق در همه کلان‌شهرهای دنیا افتاده است. واقعیت این است که در ایران در سال‌های گذشته این اتفاق نیفتاده چون هرگز این فرصت پیدا نشده است که لایه‌های اقتصادی با لایه‌های کالبدی منطبق شوند. این به طور دقیق اتفاقی است که در بسیاری از کلان‌شهرهای دنیا مانند کوالالاامپور می‌افتد. شاید علت این است که ما از دنیا در این زمینه‌ها جدا افتاده‌ایم، ارتباط ضعیفی داریم و رفت‌وآمد اطلاعات وجود ندارد.

■ اشاره کردید که دیگر کلان‌شهرهای ایران ظرف ۳۰ سال آینده به وضعیت تهران دچار می‌شوند. آیا در ۳۰ سال گذشته برآوردی از آنچه تهران به آن گرفتار می‌شود داده نشده بود؟ قطعاً بررسی‌ها و برآوردهای زیادی شده بود. برای مثال، سال ۸۲ یک‌بار